

### دایره ی ادبی حصار شادمان

سلطان مراد آدینه<sup>۱</sup>

سلطان مراد آدینه سردبیر  
مجله ی "معارف حصار"، عضو  
اتحادیه نویسندگان تاجیکستان، اعلاچی معارف،  
و مطبوعات، کارمند شایسته ی تاجیکستان.

حصار، وادی حصار و یا ملک حصار شادمان، سرزمین پر از فیض و سرشار از برکت، ملک آباد و دیار تاریخی تاجیکستان است. واژه ی «حصار» به اندیشه ی ما ترجمه ی کلمه ی "شادمان" فارسی میانه بوده، در "اوستا" به معنای بلندی آمده است. محققین بدین نتیجه رسیده اند که در طول تاریخ متمادی کلمه ی "شومان" به زبان ادبی ترجمه شده، در عصرهای ۱۷-۱۱ با شکل های شومان، حصار شومان و سپس بر اثر تحوّل و دگرگونی زبان به طرز حصار شادمان و بعدتر تنها با نام حصار و بالآخره به صورت ترکیب «حصار شادمان» معروف گشته است.

محققین با تکیه به بازیافت هایی که از دوره ی ۶-۹ هزار سال پیش تا به امروز رسیده و در نتیجه ی کاوش های باستان شناسی که به دست آمده اند، بر پر جمعیت بودن وادی حصار در دوره ی نئولیت [عصر حجر جدید یا نو سنگی] تأکید کرده اند.

حصار تاریخی هم چون مرکز سیاسی، مأموری [اداری] و فرهنگی در طول تاریخ متمادی در حیات مردمان ماوراءالنهر نقش کلیدی ایفاء نموده است. در دوران استیلای عرب (سال های ۷۰۹-۷۱۰ میلادی) حصار موقع خود را تا اندازه ای نگاه داشته، تنها در

<sup>۱</sup> - مجله ی "معارف حصار"، عضو اتحادیه نویسندگان تاجیکستان

نتیجه‌ی زبان یکی کردن [ توافق کردن] قتیبه با تیش یکچشمه، حاکم چغانیان، تسخیر می‌گردد.

دولت سامانیان پس از انعقاد پیمان صلح در حصار با حاکمان سمنگان و بلخ، حدود قلمرو خود را وسیع و موقع دولنداریش را تقویت و تحکیم می‌بخشد. به علت اهمیت موقعیت جغرافیایی حصار و نیز وادی حصار، این منطقه در دوران تاخت و تاز مغول، دولنداری قراخانیان و شییبانیان، زمان حکومت تیموریان و منغیتیان، به چهار راهی مبدل گشته بود که از آن حاکمان و حکومتداران، یاغیان و تخت واژگونه شدگان، عبور و مرور می‌کردند.

در علم تاریخ مفهوم "مدنیت حصار" رایج و متداول است که وجه این تسمیه ناشی از کشف آثار باستانی نادر در تپه‌ی غازیان حصار ( واقع در کنار قلعه‌ی باستانی) می‌باشد.

محققان بر این عقیده‌اند که، که مدنیت حصار به عصرهای ۱۰ قبل از میلاد تعلق دارد و در آن سرزمین از ۴۰ هزار سال پیش مردم سکونت داشته‌اند. در مراحل گوناگون تاریخی، یکی از شاخه‌های جاده‌ی بزرگ ابریشم از منطقه‌ی حصار می‌گذشته است. حتی در دوره‌ی حکمرانی سلاله‌ی منغیتیان تنها حاکمی، که بجز امیر بخارا حق اصدار حکم قتل داشته، همان میر حصار بوده‌است. ملک حصار گاهی از اوقات مرکز ولایت، گاهی هم مکان میرنشین، گاهی مستقل و گاهی نیمه مستقل بوده و گاهی با نام "ناندان بخارای شرقی" شهرت داشته و حدود آن از دربند لب سرخان تا دربند فیض‌آباد را در بر می‌گرفته و گاهی هم بیکی‌گری‌های درواز و بلجوان، کولاب و قبادیان در زیر تصرف آن قرار داشته‌اند، طبیعی است که این حوادث تاریخی موجب پیدایش دایره‌ی ادبی حصار شده‌اند. علاوه بر این، در مرکز حصار که امروزه در آن ممنوع‌گاه [تفرق‌گاه] تاریخی-معماری حصار واقع گردیده است، مدارس و مساجد متعدد وجود داشته و آن موضع حاکم‌نشین به شمار می‌رفته که این امر باعث روی آوردن اهل علم و فرهنگ به این مکان است. ادبیات که انعکاس‌گر واقعه‌های تاریخی و حیات خلق است، در همه دور و زمان ها در شکل‌های گوناگون وجود داشته است و ملک حصار هم از آن مستثنی نیست. در دوره‌های پیدایش مظاهر دولنداری عصر میانگی [تقرون وسطای] تاجیکان [به‌کارگیری عناوین ادوار تاریخی معمول در تاریخ‌نگاری غرب، برای تاریخ شرق و از جمله تاریخ جهان اسلام جای تامل داشته و بی‌چندوچون نیست]، که آن مصادف است با دوران

ورود طاهریان و صفاریان به عرصه‌ی تاریخ، ملک حصار در قلمرو دولت طاهریان درآمد و ملتی دولت‌های شومان، اهارون و چغانیان در این سرزمین عرض وجود کرده است. عموماً، در ملک حصار در طول تاریخ دولت‌داران گوناگون حکمرانی کرده‌اند و دایره‌ی ادبی این سرزمین وابسته به حوادث تاریخ، ترقی، انکشاف [رشد]، نشو و نما و گاهی هم رو به تنزل نهاده است. راجع به دایره‌ی ادبی حصار تحقیقات و پژوهش‌های علمی معینی انجام گرفته است. متأسفانه، اکثر این کاوشها و جستجوهای محققان تمایل تبلیغاتی و یا گرایش جهت آشنا ساختن عامه‌ی مردم با نمایندگان دایره‌ی ادبی حصار دارند. با وجود اینکه در ارتباط با موضوع دایره‌ی ادبی حصار، تحقیقات علی‌حده وجود ندارد، دوره‌ها و سمت‌های آن مشخص شده‌اند.

قبل از همه، پیوند حیات ادبی وادی حصار با ادبیات و فرهنگ تاجیکستان (اعم از گذشته و حال)، همچنین ارتباط آن با ادبیات تمام فارسی‌زبانان می‌باشد. در گذشته‌ی تاریخی، مخصوصاً، در دوران ما قبل استیلای عرب، در زمان احیای عجم (قرن‌های ۱۵-۱۰ میلادی) سرزمین‌های فارسی‌زبانان که امروز از هم جدایند یکی بود و یا سرحداتی شفاف آن‌ها باعث رفت و آمد و پیوند ادبیات می‌گشت. بیهوده نیست که در دوران شکوفایی فرهنگ هرات در این شهر محله‌ی حصاریان موجود بوده است که در آن اهل علم و ادب حصار‌الاصل تحصیل، زندگی و کار و فعالیت داشته‌اند. بنا به گفته‌ی بابر مؤسس و بنیادگذار دولت "مغولان بزرگ" در هند بسیاری از ادیبان و عالمان از ملک حصار به دهلی رفته در آن‌جا نیز محله‌ی علی‌حده‌ی زیست خود را بنیاد کرده‌اند. این گفته‌ها گواه آنند که دایره‌ی ادبی حصار در علاقه و پیوند با ادبیات فارسی‌زبانان ترقی کرده و با آن هم‌بستگی تنگاتنگ دارد. دایره‌ی ادبی حصار شادمان به موازات بنیاد ادبیات نوین تاجیک، از همان دوران دولت‌داری طاهریان و سامانیان و چغانیان آغاز یافته‌است. از تاریخ ادبیات چنین استنباط می‌شود که در عصرهای ۱۰-۱۱ در این سرزمین، طاهر ابن فضل چغانی که دارای تالیفاتی است زندگی می‌کرده است. طاهر چغانی شخصیت نجیبی بوده است.

او از خاندان امیران آل محتاج چغانیان بوده، همچون شاعر در دوران خود شناخته شده است. حتی در مدح او منجیک ترمذی و بدیعی بلخی شعرها انشا کرده‌اند. از او یک غزل، سه دوبیتی، دو قطعه، دو رباعی و ده فرد بیت باقی مانده است. این رباعی نشانه‌ای از اوست:

دلدار منا، ترا صدف خواهم کرد،  
آخر به مدارات به کف خواهم کرد

یا آن که ترا به مهر خود رام کنم،  
یا عمر به عشق تو تلف خواهم کرد.

البته، ادبیات در حصار شادمان در عصرهای بعدی نیز ترقی و تکامل داشته است. متأسفانه، از چنگال خون‌بار و سوزان تاریخ عصرهای ۱۴-۱۱ بسیاری از نوشته‌های ادیبان این سرزمین به باد فنا رفته‌اند و یا در گردباد حوادث آن روزگار ناپدید گشته‌اند، یا این که به سبب واقع بودن حصار بر سر چهارراه مبارزه و جنگ و جدال‌ها، اهل ادب این وادی به دیگر ملک‌های نسبتاً آسایش‌تر [آسوده‌تر] مهاجرت کرده و در تشکّل ادبیات و فرهنگ آن سرزمین‌ها سهم گذاشته‌اند. علاوه بر این، ادبیات این دوره‌ی حصار محققان خود را انتظار است، که از زیر چنگ [نگرد] و غبار تاریخ، آن گنجینه‌ها را جستجو کرده و پیشکش خوانندگان گردانند.

در رابطه با اهل ادب حصار شادمان در عصرهای ۱۵-۱۶ میلادی معلومات نسبتاً بیشتری به دست ما رسیده است. این پیش از همه از برکت نوشته‌های واصفی در «بدایع الوقایع»، نوایی در «مجالس النّفایس»، «تاریخ رشیدی» تألیف میرزا محمد حیدر، تذکره‌ی «روز روشن» از مولوی حسین صبا، «مذاکر الاصحاب» ملیح‌ای سمرقندی، «مرآة الخیال» میرزا عبدالعظیم عامی، «تحفة الاحباب» واضح، «نمونه‌ی ادبیات تاجیک» استاد صدرالدین عینی و تحقیقات مختاراف تا اندازه‌ای معلوم گشته‌اند.<sup>۱</sup>

چنین معلوم می‌شود، که دایره‌ی ادبی حصار پیش از عصر ۱۵ رو به انکشاف [توسعه و رشد] نهاده بوده است و سبب آن تأثیر محیط ادبی مشهور هرات و استقلالیت [استقلال] نسبی حاکمیت دولتی در این سرزمین می‌باشد. تأثیر محیط ادبی هرات برای ترقی دایره‌ی ادبی حصار از دو جهت اهمیت داشته است. اولاً اینکه، با انکشاف ادبیات، علم و فرهنگ و نیز وجود عبدالرحمان جامی و علیشیر نوایی در هرات، به عنوان دو تن از اقطاب زمان، نیروهای خلاقه به این مرکز جلب شده و از طرف سروران وقت کمک و دستگیری یافته‌اند. پیدا گشتن محله‌ی حصاریان در هرات از جذابیّت مرکز فرهنگی و

ادبی هرات گواهی می‌دهد. دیگر اینکه، حصار بر سر راه سمرقند و بخارا واقع بوده و از این لحاظ بزرگان دور به این سرزمین قدم رنجه کرده‌اند. دلیل این گفته‌ها آن است که خواجه یعقوب ولی برای دریافتن صحبت خواجه یعقوب چرخ‌ی به وادی حصار آمده است و جامی، نوایی و واصفی هم مزار او را زیارت کرده‌اند.

واصفی در اثر مشهور خود تحت عنوان «بدایع الوقایع» در باره‌ی واقعات مهم سالهای ۱۴۹۷-۱۵۵۱- ماوراءالنهر و خراسان معلومات داده در قسمت «داستان خمسه‌ی متحیره» در بین پنج تن از شریک درسان [هم‌درسان] جامی از خواجه اسماعیل حصار‌ی یاد می‌کند که با نام مولانا داود معروف بوده و به منصب صدارت سلطان ابوسعید (حاکم وقت حصار) نایل شده است. واصفی در همین اثرش راجع به شرکت مولانا جامی در جنازه‌ی پدر خواجه اسماعیل حصار‌ی معلومات می‌دهد.<sup>۱</sup>

در عصر ۱۶ ذکر نام خواندمیر مؤلف «روضه الصفا» به عنوان یکی از نمایندگان دایره‌ی ادبی حصار، باعث سر بلندی و مایه‌ی افتخار است. خواندمیر پسر سلطان محمود میرزا وزیر حاکم تیموری حصار بود. پدر او خواجه هم‌الدین در حصار تولد شده و سپس به هرات نقل مکان کرده است.

نوایی در اثر معروف خود «مجالس النفایس» در خصوص شاعران زیرین حصار و حصار‌ی النسب و حصار‌ی الاصل معلومات می‌دهد.

ملأ بهشتی از ولایت حصار است، مرد بدی نیست و طبع او نیک است. این بیت از اوست:

در کمند تو نه هر بی‌سر و پا افتاده است،  
این بلایی ست که در گردن ما افتاده است.

شاعر دیگر این دوره؛ مولانا صالح حصار‌ی بوده است که وظیفه‌ی حسابدار پادشاه حصار را به عهده داشته و بیت جذآب او امروز هم ورد زبان اهل ذوق و دانایان

<sup>۱</sup> - نگرید: به پاورقی‌های صحیفه‌های پیشین.

نگرید: تاریخ یعقوب چرخ‌ی. دوشنبه-۲۰۰۶، ص. ۴۷۰-۴۵۸، ا.مختاراف. از تاریخ فرهنگ ماوراءالنهر، د، ۲۰۰۱. ص.

لطف شعر و مهارت شاعری است:

اگر ای شمع، شبی هم نفس من باشی،  
چه دعا بهتر از این است، که روشن باشی.

نوایی در اثر یاد شده چنین می‌نگارد: «مولانا خالدی، از ولایت حصار شادمان است. به شهر هرات به جهت تحصیل آمد و مدت مدید سبق خواند، بسیار به صلاحیت است.» نوایی از او به عنوان مثال چند بیت می‌آرد، که ما در اینجا نمونه‌بی را از آن نقل می‌کنیم:

مترس از تن خاکی به وقت گشتن من،  
اگر به تیغ تو گردی رسد به گردن من

نمی‌خواهم که برگردد صبا از کوی او گردی  
مباد آن توتیایی را افکند در چشم بی‌دردی.<sup>۱</sup>

مولانا بیاضی، مولانا میلی، ملّا طفیلی از جمله‌ی مشهورترین شاعران این عصر محسوب می‌شوند. شاعران دایره‌ی ادبی حصار، چنانکه برای ادبیات این دوره خاص است، بسیار نازک خیال و نازک بیان بوده‌اند. بعضی ابیات آنها از لطف بلند کلام ایشان گواهی می‌دهد. برای اثبات این فکر یک بیت ملّا طفیلی را می‌آریم که از لحاظ صنایع شعری کم نظیر است:

چه سان پنهان شبی در کوی آن نازک بدن باشم،  
که برق آه روشن می‌کند جایی، که من باشم.

<sup>۱</sup> - عیشیر نوایی. "مجالس النّغایس". تهران، ۱۳۲۳ ص. ۸۰.

غیر از ادیبان و شاعران عصرهای ۱۴ و ۱۵ بسیاری از حاکمان حصار نیز در شعر و شاعری قوه آزموده، موفق هم شده‌اند. از جمله، مطرب سمرقندی در باره‌ی مهارت شاعری حاکم سلطان (۱۵۵۴-۱۵۷۴) و ابدال سلطان (سال قتلش ۱۵۸۱) معلومات داده است.

از شاعران عصرهای ۱۶-۱۵ هم‌چنین می‌توان از شاعرها زیلاه و علاج که از هم عصران حاکم سلطان بودند یاد کرد. در این دوره هم‌چنین توریق حصار، مشتاق حصار، هجوم حصار، ملّا حصار، غیور حصار، مولانا خرگاهی، زردکی حصار و دیگران زندگی و ایجاد [خلق اثر] کرده‌اند. از میان شعراء یاد شده در تاریخ ادبیات، نام غیوری حصار بیشتر معروف است. غیوری در ۳۹ سالگی (۹۹۹ ه. ق / ۱۵۹۱ م.) از عالم گذشته ولی اشعارش در تمام مناطق فارسی‌گویان از شهرت زیادی برخوردار بوده است. از همین‌جاست که سعید نفیسی، ذبیح‌الله صفا و عبدالحسین خیام پور از او یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

این غزل گواه از طبع بلند اوست:

در تنم تب هجرت آتشی چو شمع افروخت،  
مُرده مُرده خواهم زیست، زنده زنده خواهم سوخت

من به وادی عشقت آن کسم، که مجنون را،  
باید آمد و از من شیوه ی جنون آموخت

دیده دیده چشمانم سوی مهر رخسارت،  
دیده خیره شد، جانا، خیره دیدگی آموخت

یوسف جمالت را دیده‌ی مصریان دانند،  
نقد جان، عزیز من، مالکش ولی نفروخت

گر غیوری خواهی نقد خویشتن پنهان،  
از سرشک مژگانت چاک سینه باید دوخت.

دایره‌ی ادبی حصار شادمان در دوره‌ی ما بعد قرن ۱۵ پیوند ناگسستنی با تمام گرایشها و جریان‌های ادبیات فارسی زبانان دارد. این دوره مصادف با زمان حکمرانی تیموریان، شیبانیان، اشترخانیان، یوزها و منغیتیان در حصار شادمان است. اکثر حاکمان حصار با در نظر داشت موقعیت جغرافی و اهمیت تجاری این وادی استقلالیت [استقلال] نسبی داشتند. تا غلبه و پیروزی انقلاب اکبر و تشکیل گردیدن جمهوری خلقی بخارا و تا زمان فرار عالم خان؛ آخرین امیر بخارا، ادبیات حصار در مدرسه‌های این ناحیه و دیگر جای‌ها به ترقی و رشد خود ادامه می‌داد. این دوره یعنی، تا دوران شوروی دایره‌ی ادبی حصار با خصوصیت‌ها و نمایندگان معروف خود برای پیشرفت ادبیات شناسی سهم چشمگیری گذاشته است. مثلاً، برای قدسی حصار شاعر عصر ۱۶ حصار شادمان، به سبب مهارت ادبیش عنوان افتخاری "جامی ثانی" را روا دانسته‌اند. ملیحای سمرقندی در باره‌ی شاهی حصار، ندیم حصار، جامی حصار، رفعت حصار، که هم‌عصر قدسی بودند، معلومات می‌دهد. هم‌چنین در عصرهای ۱۷-۲۰ میرزا حسرت، پری، ارثی، جذبی، میرزا بابا، مضمیر، بنده، راضی، دبیری، شریف، غمگین، بسمل، عشاق، خاکساری، عامی، زردکی، عشرت، عذری، خرگاهی، خرمی، جنونی، خواجه عبدالرحیم، خواجه سمندر، نظام‌الدین، فوقی، موزون، کریم دیوانه و بسیاری دیگر از شاعران و ادیبان حصار و حصار الاصل در حصار شادمان و در دیگر منطقه‌ها زندگی و ایجاد کرده‌اند. راجع به زندگی‌نامه و اشعار آنها محققان قلم فرسایی کرده اند که این حاکی از جایگاه سزاوار شاعران حصار در تاریخ ادبیات این دوره می باشد.

یکی از خصوصیات این دوره عبارت از آن است که اهل ادب در مرکز شهر حصار، اکثراً در دربار حاکمان و یا در مدرسه‌های شهر جمع آمده، دایره‌ی ادبی و یا محفل های ادبی می‌آراستند. حتی در دربار حاکم حصار عبدالکریم خان دایره‌ی ادبی معروفی تحت سرپرستی پری وجود داشته است. هم‌چنین در ابتدای عصر ۲۰ در قرتاق محفل ادبی دائمی قرتاقی مشغول ترتیب دادن بیاض اشعار شاعران حصار بود. این بیاض الحال در کتابخانه‌ی حسین نصرالدین آواز خوان معروف تاجیکستان محفوظ بوده و در انتظار محققان خود است.



در دوران شوروی بر اساس سیاست ایدئولوژیکی حکومت وقت، نیروهای خلاقه و شخصیت های ادبی باید در پایتخت جمهوری مستقر می شدند، بنا بر این ادیبان حصاری الاصل مانند میرزا تورسون زاده، مصطفی شرقی، حامد عابدی، ناصر جان معصومی، صابر شاهانی، حکمت رحمت، عطا همدم و دیگران در شهر دوشنبه کار و زندگی می کردند. محفل ادبی که در اداره ی روزنامه ی "حقیقت حصار" (بعدتر این روز نامه با نام های "بیرق لنینیزم" و امروز با نام "حصار شادمان" به نشر می رسد)، تحت ریاست و رهبری ف. عزیز، ش. صابری، ق. عصایف فعالیت می کرد، ادیبان نو قلم را گرد هم جمع کرده بود.

از این محفل نویسنده ی چیره دست عضو اتحادیه ی نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ حکیم علی نظرعلی، با اسلوب خاص نگارندگی خود هنوز در دوران شوروی به بهای بلند اهل ادب صاحب گشته بود. حکیم علی نظرعلی از حصار بیرون نرفته ایجاد کرده است. نویسنده و شاعر سید علی سعید در حصار ایجاد کرده، به عنوان افتخاری دارنده ی جایزه ی سازمان جوانان تاجیکستان مفتخر گردیده است. پس از رسیدن تاجیکستان به استقلالیت دولتی دایره ی ادبی حصار مجدداً احیاء گردید.

در سال های اوّل جنگ شهروندی و یا دقیق تر بگوئیم سال ۱۹۹۳ با دستگیری رهبران آن دوره ی حصار؛ جمال الدّین منصوراف و عبدالواحد کریم اف، بنیاد دستگیری ادیبان با نام "استعداد" تشکیل کرده شد که تا سال ۱۹۹۷، تحت رهبری صابر شاهانی و مؤلف این سطرها با دستگیری معنوی و مادی ادیبان تاجیک از شهرت زیادی برخوردار گردیده بود، مخصوصاً، در شهر دوشنبه. هم زمان در نزد بنیاد یاد شده محفل همانام آن فعالیت می کرد، که رهبری آن را شاعر توانا هدایت الله رحمانی بر عهده داشت. این محفل سال ۲۰۰۳ از طرف ائتلاف [اتحادیه] نویسندگان تاجیکستان به حیث بخش ناحیه ای اتحادیه ی نویسندگان شناخته شد.

از جمله اعضای این بخش ائتلاف نویسندگان تاجیکستان (در حصار)، هدایت الله رحمانی، سلطان مراد آدینه، فتح الله عزیز، حکیم علی نظرعلی، والی (ایگم نذرالله)، سعیدعلی سعید، سعیدجان اوراقی، وارث، همراه عثمان، عبدالعلیم صمد، صلاح الدّین صدرالدّین، ادیبان خوش قلم نذری اسدزاده، حکمت الله قدرت، صوفی شمس الدّین، صبری نساگل او، حاجی سلیمانی، نورعلی میرزاعلی، قربان مراد عصایف، رسولی، مطرب،

بی‌تاب، خوبان گل جوهریوا، معرفت حیات زاده، تیمور حسن، ماهره یولداس اوا، خاصیت احمدجان، هنرپیشگان شمس‌الدین محی‌الدین، کامل جان غنی، سیف‌الدین اکرم، عبیدالله کرامت و دیگران فعالیت دارند. وابسته به بخش مذکور، محفل "استعداد"، با خروش کار می‌کند، که زیاده از ۴۰ نفر نوقلمان شامل آنند. با تشبّث [ابتکار] نذری اسدزاده از سال ۲۰۱۰ مجله‌ی "معارف حصار" تأسیس شده و برای ترغیب دست‌آوردهای دایره‌ی ادبی حصار خدمت می‌کند.

خلاصه [نتیجه]، دایره‌ی ادبی حصار شادمان از قدیم الایام تا امروز انعکاس‌کننده‌ی حیات خلق وادی و تاجیکستان بوده و امروز هم برای تربیت معنوی باشندگان این سرزمین خدمت می‌کند.

بی نوشت (منابع):

- 1-Нигаред: Фарҳанги забони тоҷикӣ, М., 1969, қ.2. саҳ. 426;  
 Ашуров А. Фарҳанги осори Ҷомӣ, Д., 1984, қ.2, саҳ. 366;  
 Бурҳони қотеъ, Д., 1993, қ II саҳ. 416; Фарҳанги мухтасари  
 “Шоҳнома”, Д., 1992, саҳ. 480; Ғиёсуллоғот, Д., 1984, қ. I ,  
 саҳ 277, қ. II Саҳ. 416, қ. III Саҳ. 304.
- 2-Нигаред: Таърихи мухтасари Ҳисор, Ҳисор. 1992 саҳ. 6 -8  
<sup>1</sup>Нигаред: Мухторов А., Ҳисор. Очерки Таърихӣ, Душанбе  
 “Адиб”, 1995. Саҳ. 18.
- 3-Нигаред: Мухторов А., Ҳисор, Очерки таърихӣ. Душанбе.  
 “Адиб”, 1995. Саҳ. 18.
- 4-Нигаред: Мухторов А; Аз таърихи фарҳанги Мовароуннаҳр, “Душанбе, 2001 саҳ  
 28- 29 ; Бобур. “Бобурнома”, Тошкент, 1989.
- 5- Шоирони аҳди Сомониён, Душанбе, 1999, саҳ. 105.
- 6-Нигаред: С.Садриддин «Ҳисори Шодмон ва доираи адабии он»  
 (Дар китоби «Таърихи мухтасари Ҳисор», Ҳисор 1992, саҳ.53
- 7- Нигаред: Тазкиратушшуарои Мелеҳои Самарқандӣ. Техрон  
 1375.
- 8- Нигаред: «Мероси адабии шоирони Ҳисор», Душанбе, 1974.  
 А.Ҳабибзода. Аз ганчинаи адабии Ҳисор. Душанбе. 1995
- 9-Нигаред: Султонмуроди Одина. Зиндагиномаи Ҳочӣ Хусайни  
 Насриддин, Душанбе. 2004, саҳ.141.